

فراز و فرود مطبوعات در ایران در گفت و گو با مجید رضائیان، استاد ارتباطات

آینده روزنامه نگاری را خوب نمی بینم

هیچ دری به روی خبرنگار بسته نیست

مرتضی گل پور
خبرنگار

مطبوعات و دولت مدرن پدیده‌هایی وارداتی محسوب می‌شوند که دست کم عمر دولت مدرن در ایران به ۱۰۰ سال نمی‌رسد. شاید به همین دلیل است که این دو پدیده هنوز نتوانسته‌اند آن‌طور که باید و شاید با بافت تاریخی و اجتماعی ما پیوند بخورند. فراز و فرود دولت‌ها و رابطه ملت با آن‌را از همین زاویه می‌توان فهم کرد. در این میان رابطه مطبوعات و رسانه‌ها با دولت‌ها نیز از بسطی و پرپیچ و خم خود است؛ گاهی همراه‌است و همسو حرکت کرده‌اند، گاهی یابدیکدیگر ضامن‌ها داشته‌اند و گاهی یکی پشت دیگری سرافراز شده است. به تعبیر، هر تاریخ مطبوعات در کشور ما نشان می‌دهد هرگاه شاهد تصلب قدرت و تمرکز اقتدار دولت مرکزی بوده‌ایم، مطبوعات و روزهای خفیه داشته‌اند و هرگاه دولت مرکزی تضعیف و جامعه مدنی تقویت شده است، نقش مطبوعات هم برجسته‌تر شده است. از این تاریخ و این فراز و فرود برای امروز ما چه چیزی می‌توان آموخت؟ به عبارت دیگر، این گذشته چه درسی برای امروز فرای ما دارد؟ به نظر می‌رسد از زنگ‌ها، همین تجربه است که ما شاهد افول نقش و تأثیر رسانه‌های متعلق به بخش خصوصی هستیم. به عبارت دیگر، امروز اغلب رسانه‌های مؤثر که بدین‌دستی نسبت به دیگران دارند، به نوعی وابسته به بخش‌های اجزایی از حاکمیت هستند. این امر در صورت ندادن می‌تواند پیامدهای مخفیانگ در حوزه حزمه ملی داشته باشد. زیرا کاهش دربار رسانه‌های داخلی، به دلیل اقتضات ناشی از وابستگی به

نهادهای حاکمیتی می‌تواند بهانه‌ای برای تصاحب عرصه و زمینه رسانه‌ای کشور از سوی رسانه‌هایی باشد که آبرو، هدایت و مدیریت می‌شوند. اما این همه مشکلی نیست که امروز در حوزه رسانه‌ها با آن مواجه هستیم. رونق و استقبال گسترده ایران‌آر از شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که امروز به جای روزنامه، میوبل در دست‌ان آید. قرار بگیرد. ضمن اینکه نمی‌توان رغبت و وابستگی ایران‌آر به فرهنگ شفاهی را نیز در کاهش و ریزش مخاطبان رسانه‌های اصلی به تأثیر دانست. اما در کنار این‌ها، هنوز ضعف عملکرد و دانش و نیز ایجاد خط فرم‌های غیرواقعی از سوی خود رسانه‌ها در کاهش اقبال مخاطبان به آن‌ها نادیده گرفت.

مجموع این شرایط و وضعیت بغرنجی را برای رسانه‌های ایجاد کرده است که همان طور که اشاره شد، می‌تواند پیامدهای منفی در حوزه امنیت ملی داشته باشد. در گفت‌وگو با مجید رضاییان، روزنامه‌نگار پیشکسوت و استاد ارتباطات دانشگاه، این مباحث را به بحث گذاشتیم. او باتکیه بر گزاره‌های مورد اشاره، آینده روزنامه‌نگاری در ایران را روشن نمی‌بیند، هرچند تأکید و بازم تأکید دارد که در هر شرایط سیاسی و اجتماعی، هیچ دری به روی رسانه‌نگاران بسته نیست و این حوزه‌ها می‌توانند گاه‌به‌گاه دست‌های گشوده‌تری داشته باشند. بازرگانی این دره‌ها ندارند. این گفت‌وگو را بخوانید.

ش و پس از مشروطه، یکی از دوره‌های دوره فعالیت مطبوعات در ایران بود، حتی در ارداد ۱۹۱۹ هم که اقتدار مرکزی چندان وجود نداشت، مطبوعات بودند که عموی این اعلیه این قرارداد تهیه کردند تا این قرارداد به سرانجام نرسید. پس از آن و فرود مطبوعات در ایران به گونه‌ای بود که از میزان اقتدار و تسلط دولت‌ها کاسته شد، مطبوعات قوی‌تر ظاهر می‌شدند. چرا که با وجود اوس میان دولت و رسانه در کشور ما در داد؟

پاسخ، به یک مثلث مفهومی اشاره کند که در آن یک شاخص توضیح می‌دهد چرا پس از ظهور یک شیء جدید، به‌طور ناگهانی به همان‌طور که شما مطرح کردید، شرط باید به‌گونه‌ای باشد که همواره با تضعیف ت مرکزی، مطبوعات رشد کنند و چرا وقتی ت مرکزی مستقر هست، مطبوعات رشد نمی‌کند؟ چرا این‌ها بالاتر، چرا مشروطه، و به هر شرط هم باقی نمی‌ماند؟ مثلث مفهومی مورد نظر من شامل ایدئولوژی، قانون و همان است. در تاریخ خود، همواره میان دو حرکت بدویم ت ضالع دیگر که قانون باشد. حرکت دیگر، دو ضلع گفتمان و ایدئولوژی در رخ بیشتر نقش آفرینی کرده‌اند و ما شاهد نقش آفرینی یا جایگاه یافتن قانون و گفتمان به نوبه خود، تابع تفکراتی هستیم که هر بار به مثابه موجی در کشور آمد و رفت. گفتمان‌ها اغلب در سطح عرفی مانده‌اند و بچی شدند. گفتمان چپ یا سوسیالیستی حمله مواردی هستند که نتوانستند تاریخی و گرا شوند. اما مهم‌تر از گفتمان و ایدئولوژی است که نتوانستند نهادینه شود. منظور از این، توافق میان بخش‌های مختلف اجتماعی است که طی این توافق، مناسبات اجتماعی و قانون خود را در قالب ضوابط و سازوکارهایی به هم قیاس قرار می‌دهیم. نکته اینجا است که مشروطه تکلیف خود را با ایدئولوژی و تفکرات فئودالیت روشن کرد، اما هنوز تکلیف سیاسی مانند اقتصاد یا سیاست ملی روشن نشده است. به تبع این نوسانات تاریخی است که به‌تدریج به مطبوعات زمانی نقش بیشتری داده و تحولات تاریخی و سیاسی یا اجتماعی در دولت مرکزی ضعیف بوده است. اما اینکه باید مطبوعات را ستایش کرد، اما به‌خاطر داشت که رونق مطبوعات در زمان‌های فضیلت نیست.

این سه آزادی، معتقد که تقدم یا آزادی باشد، است. تا آزادی بیان و آزادی رسانه نباشد، آزادی سیاسی و دموکراسی اقتصادی به معنی پیدا نمی‌کند. اگر آزادی بیان و رسانه باشد، رقابت در احزاب و نهاده‌ها نه بر مبنای اشخاص، بلکه بر مبنای برنامه‌ها خواهد بود. در این صورت است که خنجانی اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی و معنا و خنجانی پیدا کرده و فضای یوولپستی از میان می‌رود. به عبارت دیگر، شخص محوری جای خود را به برنامه محوری می‌دهد. آزادی بیان به همین صورت است. وقتی آزادی بیان باشد، خنجانی اقتصادی هم شکل می‌گیرد. به باور من، میان این آزادی‌ها رابطه وجود دارد، اما همان طور که گفتم، در تقدم و تأخر دادن، باید برای رسانه پایگاه و جایگاه ویژه‌ای قائل بود.

■ پرسش را از این‌و مطرح کردم که با وجود بحث‌هایی که درباره آزادی در کشور ما وجود دارد، به نظر می‌رسید شما معتقد هستید اساساً در به روی روزنامه نگاری رسانه بسته نیست، در جایی به روزنامه نگاران گفته‌اید که «اگر نمی‌توانید از چوبی بنویسید، می‌توانید از چوگونگی بنویسید، خود مردم به چوبی بی‌خواهند برد.» فرض کنیم آزادی بیان یا آزادی اقتصادی در کشور ما کامل نیست، در این صورت یک رسانه یا یک روزنامه نگار چه می‌تواند بکند؟ در هر مقطعی از زمان، ما شاهد تولد ژانر تازه‌ای از روزنامه نگاری بودیم. مشخصاً از زمانی که اینترنت متولد شد، ژانر «روزنامه نگاری تحلیلی» ایجاد شد تا مطبوعات یا تلویزیون از وب (اینترنت) عقب نمانند. وقتی «وب دو» یا همان شبکه‌های اجتماعی آمد، رسانه‌ها در فضای وب دو حضور پیدا کردند، زیرا دریافتند در صورت حضور نداشتن در این فضا، ارتباط و مخاطبانشان به حداقل می‌رسد. اما برای جلوگیری از عقب ماندگی، صرف حضور در شبکه‌های اجتماعی کافی نیست، بلکه باید کار دیگری هم انجام دهند و آن کار این است که باید چیزها و عناصری را تعقیب کنند. روزنامه نگاری در یک رسانه مکتوب یا دیداری - شنیداری، باید «چوگونگی چرایی» را تعقیب

مسئله کاهش مخاطب برای رسانه‌های ایران مسئله‌ای سه سویه است. یک بخش آن به حاکمیت مربوط است. به این معنی که حاکمیت به معنای قوای سه گانه تقصیر عمدی دارند و مایل نیستند در عرصه اطلاع رسانی قدم بردارند. سوی دیگر ماجرا مخاطب است که اساساً به دنبال فرهنگ شفاهی و نگاه‌های سطحی است و کمتر دنبال نگاه‌ها و بررسی‌های عمقی تر است. علت سوم ریزش مخاطب رسانه‌ها خود روزنامه نگاران ما هستیم. روزنامه نگاران ما بابت هر چیزی برای خود خط قرمز ساختگی درست نکنند

کند و دنبال کردن چیز دیگری اصلاً پاس‌خگو و کافی نخواهد بود. ممکن است در خبرهای فوری یا لحظه‌ای «چستی» موضوع یا رویداد را دنبال کنید و بعد از بایه‌های اول، دوم یا سوم اطلاعات را یافته و به آن بیفزایید؛ اما در عصر شبکه‌های اجتماعی، اصل در روزنامه نگاری این است که «چگونگی»-چرایی» را پیدا کنید. ممکن است دنبال کردن «چرایی» در برخی کشورها برای روزنامه نگار دشوار باشد، یا تقریباً میسر نباشد، اما در مقابل می‌توانید از «چگونگی» آن رویداد یا مسأله برای مخاطب بنویسید. در این صورت خود مخاطب از چگونگی رمزگشایی کرده و به چرایی خواهد رسید.

■ **از این چگونگی و چرایی، مثال بزنید؟**

مسئله طالبان در کشور افغانستان را در نظر بگیرید. مثلاً به دنبال آتش بس میان دولت این کشور و طالبان، یک انتخابات برگزار می‌شود، اما به جای ۲۰ میلیون واجد شرایط، ۲ میلیون نفر در انتخابات شرکت می‌کنند. شاید روزنامه نگار افغان به این نتیجه برسد که پشت این مشارکت اندک، یک چرایی وجود دارد که این چرایی به خارج از افغانستان یا عواملی در داخل مرتبط است. اگر آزادی وجود داشته باشد، درباره این چرایی می‌نویسد و احتمالاً دیگرانی هم حال موافق یا مخالف، به او پاسخ خواهند داد.

نیست که روزنامه نگار منتظر باشد تا روابط عمومی اطلاع رسانی کند؛ زیرا در این صورت هیچ گاه اطلاع رسانی شکل نخواهد گرفت. روزنامه نگاری یک کار تولیدی است و خود روزنامه نگار باید دنبال آن باشد.

■ اساساً روزنامه نگاری تحلیلی به چه معنا است؟

ببینید! روزنامه نگاری تحلیلی به این معنا نیست که وقتی پشت رایانه نشسته اید یا قلم به دست می‌گیرید، کار شما فقط نوشتن تحلیل باشد، بلکه ما با ژانر روزنامه نگاری تحلیلی سروکار داریم. به این معنی که در خبر به عناصر آخر توجه می‌کنید، در گزارش خبری دنبال دلایل می‌روید یا در گزارش‌ها، درست است که بیشتر وصف حال و وضعیت است تا حقیقت و باید بیشتر وضع موجود را بیان کرد، اما بیان کردن وضع موجود، چگونه بیان کردن، یا به چگونگی‌ها پرداختن هم هست. وقتی شما به این دو عنصر توجه می‌کنید و همواره سعی می‌کنید به‌جای اینکه نگاه به گذشته یا اکنون، از اکنون رو به آینده نگاه کنید و رویکردی فرآیندی به مسأله داشته باشید، در روزنامه

نگاری تحلیلی موفق هستید. ببینید! اکنون در ■ مثال برزید؟

برای مطبوعات اشاره کردید. اما امروز عمده انتقادهای متوجه ما مطبوعاتی‌ها است که شما خوب تولید نمی‌کنید یا ذائقه مخاطب را بخوبی تشخیص نمی‌دهید یا از خط قرمزها عبور نمی‌کنید.

معتقدم مسأله کاهش مخاطب برای رسانه‌های ایران مسأله‌ای سه سویه است. یک بخش آن به حاکمیت مربوط است. یعنی چندان مایل نیستند در عرصه اطلاع‌رسانی قدری بردارند. این درحالی است که برای روزنامه نگار، منابع خبری در عرصه‌های حاکمیتی است، اما در کشور ما منابع حاکمیتی در این زمینه غیبتی نشان نمی‌دهند. علاوه بر این، سویی دیگر ماجرا مخاطب است که اساسا به‌دنبال فرهنگ شفاهی و نگاه‌های سطحی است و کم‌تر دنبال نگاه‌ها و بررسی‌های عمیق تاریخی است. این دو مخاطب ما هم باید از لحاظ فرهنگی رشد کرده و باید آگاهی مخاطب خود را افزایش دهد. علت سوم ریزش مخاطب رسانه‌ها خود ما روزنامه نگاران هستیم. روزنامه نگاران باید هرچیزی برای خود خط قرمز سخنگی درست نکنند.

■ مثال بزنید؟

می‌توان از حوزه سیاسی مثال رد تا حوزه اقتصادی. زیرا، نوشتن در هر رابطه‌ای لزوماً این معنا نیست که قرار است اتفاقی بیفتد یا با خط قرمز عبور شود. به‌عنوان مثال، فردی به نام قاضی منصوری به‌هر دلیل کشته شده است. از هر سو که به مسأله نگاه کنیم، ده‌ها علامت سؤال وجود ندارد. اما ما به‌عنوان روزنامه‌نگار به علامت‌های سؤال توجه نمی‌کنیم و فقط منتظر می‌ماییم تا ببینیم که پلیس رومانی همکاری می‌کند یا خیر. اشکال ندارد از قول مقام‌ها بنویسید که پلیس رومانی همکاری نکرده است، اما این امر نباید به این گونه باشد که شما اساساً چیزی را دنبال نکنید یا سعی کنید به فضای این رابطه داخل دهید. وقتی هیچ بخشی از ماجرا را دنبال نمی‌کنید و صرفاً به منابع رسمی اتکا می‌کنید، طبیعتاً منابع رسمی هم خواهند گفت اطلاعات روشنی در اختیار ندارند. چرا که سؤالات و ابهامات بسیاری در این رابطه وجود دارد. بنیازی نیست که شما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار از قبل پیشداوری کنید، چه بسا اگر خبر را دنبال کنید، شاید به هیچ جواب تری برسید، ضمن اینکه می‌توانید نگاه قضاوت قبلی هم نداشته باشید. اما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار اصلاً به این موضوع نمی‌پردازید، حتی کلمه «قتل مشکوک» را به کار نمی‌برید، یا حتی از واژه «قتل» هم استفاده نمی‌کنید و صرفاً نوشته می‌شود «پرتاب شد». این نوع بررسی‌ها در دنبال خبرهای رقت‌بار، در روزنامه‌نگاری عرف است و قرار نیست با این

